بسمه تعالی

سخن سردبیر

روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست
منت خاک درت بر بصری نیست که نیست
ناظر روی تو صاحب نظرانند آری
سر گیسوی تو در هیچ سری نیست که نیست

پیام سردبیر شماره بهار ۱۴۰۵ پیش روی شماست. نوشتن این سطور با امضای تفاهم‌نامه آتش‌بس مقارن شده است. امیدوارم مجدداً شاهد دوران صلح و ثبات در کشور عزیزمان باشیم.

موضوع حرکت به سمت دانشگاه‌های پیشرو نسل چهارم مدتیست در دستور کار سیاست‌گذاران آموزش عالی کشور است. مقاله حسینی و همکاران به "تدوین الگوی بومی دانشگاه نسل چهارم" می‌پردازد که مطالعه آن را به علاقه‌مندان توصیه می‌نمایم.

هوش مصنوعی و فناوری‌های دیجیتال از موضوعاتی است که آینده بشر و به طبع آن آموزش عالی را تحت تأثیر قرار خواهد داد، در این شماره مقاله رستگارقوی به "**آگاهی و نگرش دانشجویان دانشگاه شهید صدوقی یزد**" به این موضوع پرداخته و نامه به سردبیر باقری‌امیری به موضوع "**خستگی دیجیتال**" می‌پردازد که هر دو برای علاقه‌مندان به این حیطه خواندنی خواهد بود.

شهابی نیا و همکاران به موضوع "**اشتیاق تحصیلی و رابطه آن با خودکارآمدی**" پرداخته وخسروی و همکاران نیز به مطالعه‌ای در خصوص "**شناسایی عوامل تعیین‌کننده توجه و تمرکز دانشجویان در کلاس های درس علوم پزشکی**" پرداخته‌اند که از موضوعات مهم در حیطه آموزش است و با رواج هر چه بیشتر هوش مصنوعی و ابزارهای دیجیتال، اساتید و دانشجویان با چالش‌های بیش از پیش روبرو شده‌اند.

مقاله شکیبایی و همکاران در خصوص "**ارتباط بین فردی کارورزان پزشکی**" به مقوله مهمی از حرفه‌ای‌گری پرداخته است که نکات ارزشمندی را برای خوانندگان در بردارد.

در این شماره بازاندیشی کارگاه آموزش پزشکی ۲ سال ۱۴۰۴ دانشکده دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی یزد که توسط آقای دکتر میلاد نوری دستیار سال دوم دندانپزشکی کودکان نگاشته شده، منتشر می شود. این بازاندیشی حاوی مطالب مهمی در مورد وضعیت ارزشیابی در دانشکده های دندانپزشکی است که مطالعه آن را به علاقه مندان توصیه می نمایم.

دکتر مسعود میرزائی – سردبیر

خرداد ماه ۱۴۰۵

[Downloaded from jmed.ssu.ac.ir on 2026-09-04]

بازاندیشی کارگاه آموزش پزشکی ۲
بازنگری در دیدگاه خود نسبت به تدریس و ارزشیابی

مقدمه

آموزش پزشکی، به‌ویژه در رشته‌های بالینی، موضوعی است که اغلب بدیهی فرض می‌شود. بسیاری از ما سال‌ها در محیط‌های آموزشی حضور داشته‌ایم، بدون آن‌که به‌طور جدی به خود آموزش فکر کنیم. من هم از این قاعده مستثنی نبودم. هرچند پیش از این واحد درسی، به دلیل گذراندن آموزش پزشکی ۲، با برخی مفاهیم جدید در حوزه‌ی تدریس و ارزشیابی آشنا شده بودم، اما واحد آموزش پزشکی در این ترم باعث شد نگاه من به آموزش شکل منظم‌تری پیدا کند و به‌طور جدی‌تری به نقش خودم به‌عنوان یک مدرس آینده فکر کنم. این تکلیف تلاشی است برای توضیح این تغییر نگاه؛ تغییری که به‌تدریج اتفاق افتاد.

بخش اول: نگاه من به آموزش و تدریس پیش از این واحد درسی

پیش از شروع این واحد، آموزش را بیشتر از جایگاه یک دانشجو می‌دیدم. سال‌ها در کلاس‌هایی نشسته بودم که شکل مشخصی داشتند: استاد صحبت می‌کرد و دانشجو گوش می‌داد. من می‌دانستم که این روش بی‌نقص نیست و حتی نسبت به کارآمدی آن تردید داشتم، اما چون شکل غالب آموزش بود، آن را به‌عنوان یک واقعیت پذیرفته بودم. تصورم این بود که اگر استاد تسلط علمی داشته باشد و مطالب را منظم ارائه دهد، وظیفه‌ی آموزشی خود را انجام داده است. در عین حال، تجربه‌ی شخصی من نشان می‌داد که همه‌ی کلاس‌ها تأثیر یکسانی ندارند. بعضی از استادان، حتی با محتوای مشابه، کلاس‌هایی برگزار می‌کردند که در ذهن می‌ماند. پیش از این ، کمتر به این موضوع فکر کرده بودم که تفاوت این کلاس‌ها دقیقاً در چیست. بیشتر تمرکزم روی محتوا بود، نه روی روش ارائه یا فضای کلاس.

پیش از این هم حس می‌کردم که روش‌های سنتی تدریس دانشجو را در جایگاه منفعل قرار می‌دهند و نقش او را به شنیدن و یادداشت‌برداری محدود می‌کنند. با این حال، نگاه من به این موضوع بیشتر در حد یک نارضایتی کلی باقی مانده بود و کمتر آن را به‌صورت جدی تحلیل کرده بودم. در جلسات ابتدایی این واحد که به روش‌های سنتی تدریس و ویژگی‌های معلم‌های به‌یادماندنی پرداخته شد، برای من یک فرصت مرور فراهم شد. وقتی به استادانی فکر کردم که در طول تحصیل بیشترین تأثیر را روی من گذاشته بودند، متوجه شدم که بسیاری از آن‌ها، آگاهانه یا ناآگاهانه، فراتر از روش‌های سنتی عمل می‌کردند. آن‌ها فضایی ایجاد می‌کردند که دانشجو در آن احساس راحتی می‌کرد. سؤال پرسیدن ساده بود و اشتباه کردن باعث خجالت نمی‌شد. این تجربه باعث شد بهتر بفهمم چرا بعضی کلاس‌ها در ذهن می‌مانند و بعضی خیلی زود فراموش می‌شوند و چرا بعضی کلاس‌ها فقط گذرانده می‌شوند و بعضی دیگر واقعاً یاد گرفته می‌شوند. مسئله فقط انتقال اطلاعات نبود، بلکه نحوه‌ی ارتباط با دانشجو و مدیریت فضای کلاس نقش مهمی داشت. این بخش از کلاس، بیش از هر چیز، تجربه‌های شخصی من را برای خودم شفاف‌تر کرد.

بحث درباره‌ی محدودیت‌های روش‌های معلم‌محور نیز برای من تازگی نداشت، اما این‌بار موضوع به‌صورت منظم‌تری بررسی شد. متوجه شدم که مشکل اصلی این روش‌ها این است که دانشجو را وارد فرآیند یادگیری نمی‌کنند. در چنین کلاس‌هایی، دانشجو اغلب به دنبال این است که بداند چه چیزی در امتحان می‌آید، نه این‌که موضوع را بفهمد و این نوع یادگیری، معمولاً ماندگار نیست؛ به‌ویژه در آموزش پزشکی که حتی می‌تواند مشکل‌ساز هم باشد.

بخش دوم: نگاه من به روش‌های نوین تدریس

من پیش از این درس هم با کلیات روش‌های نوین تدریس آشنا بودم و آن‌ها را به روش‌های سنتی ترجیح می‌دادم. با این حال، این واحد درسی باعث شد این مفاهیم برای من ملموس‌تر شوند. حالا بهتر می‌فهمم که مشارکت دانشجو فقط به معنای پرسیدن چند سؤال در کلاس نیست. مشارکت یعنی دانشجو احساس کند بخشی از کلاس است و حضورش اهمیت دارد. این باعث شد نقش معلم را جدی‌تر ببینم. پیش از این، بیشتر تمرکزم روی دانش معلم بود. حالا بیشتر به این فکر می‌کنم که معلم چگونه کلاس را اداره می‌کند، چگونه واکنش نشان

[Downloaded from jmed.ssu.ac.ir on 2026-09-04]

می‌دهد و چطور با دانشجویان ارتباط برقرار می‌کند. این مسائل شاید در نگاه اول ساده به نظر برسند، اما تأثیر زیادی بر کیفیت یادگیری دارند. برای من که در آینده احتمالاً درگیر آموزش دانشجویان یا رزیدنت‌ها خواهم بود، این نگاه اهمیت زیادی دارد. حالا آموزش را چیزی می‌بینم که نیاز به برنامه‌ریزی و توجه مداوم دارد، نه کاری که صرفاً با داشتن دانش علمی انجام شود.

به دلیل گذراندن واحد آموزش پزشکی ۲، در مورد ارزشیابی، پیش‌زمینه‌هایی داشتم. من از قبل می‌دانستم که روش‌های سنتی ارزشیابی، به‌ویژه آزمون‌های مبتنی بر حفظیات، تصویر دقیقی از توانایی‌های دانشجو ارائه نمی‌دهند. به همین دلیل، نسبت به این روش‌ها نگاه انتقادی داشتم. با این حال، این درس کمک کرد ارتباط بین تدریس و ارزشیابی را بهتر درک کنم. حالا برای من روشن‌تر است که نمی‌توان در کلاس از مشارکت، تفکر و تحلیل صحبت کرد، اما در پایان فقط محفوظات دانشجو را سنجید. ارزشیابی باید ادامه‌ی مسیر آموزش باشد و به دانشجو کمک کند نقاط ضعف خود را بشناسد. در رشته‌ی دندانپزشکی کودکان، این موضوع اهمیت بیشتری نیز پیدا می‌کند. بسیاری از مهارت‌های مهم این رشته، مثل برقراری ارتباط با کودک یا مدیریت رفتار، با امتحان کتبی قابل سنجش نیستند. این کلاس باعث شد به این فکر کنم که ارزشیابی چطور می‌تواند به بهبود این مهارت‌ها کمک کند، نه این‌که فقط آن‌ها را قضاوت کند.

بخش سوم: نگاه من به تهیه اسلاید و ارائه‌ی مطالب

در مورد تهیه‌ی اسلاید، من پیش از این هم با اصول کلی آشنا بودم. می‌دانستم اسلاید نباید شلوغ باشد و قرار نیست همه‌ی مطالب در آن نوشته شود. با این حال، این درس باعث شد نگاهم به اسلاید کمی تغییر کند. نکته‌ای که برای من پررنگ شد این بود که اسلاید برای مخاطب طراحی می‌شود، نه برای خود ارائه‌دهنده. قبلاً اسلاید را بیشتر به‌عنوان ابزاری می‌دیدم که کمک می‌کند چیزی را فراموش نکنم. حالا بیشتر به این فکر می‌کنم که دانشجو هنگام دیدن اسلاید چه چیزی می‌بیند و چه چیزی از آن برداشت می‌کند. این تغییر نگاه باعث شده هنگام طراحی اسلاید، ساده‌تر عمل کنم. همچنین بحث درباره‌ی ویژگی‌های اسلاید خوب و اشتباه‌های رایج در ارائه، به من نشان داد که حتی اگر اصول اولیه را بدانیم، باز هم جای بهتر شدن وجود دارد. گاهی حذف یک جمله یا یک تصویر اضافه، تأثیر بیشتری از اضافه کردن محتوای جدید دارد .حتی گاهی کم‌گویی در اسلاید، به فهم بهتر مطلب کمک می‌کند. این بخش از درس، برای من کاملاً کاربردی بود و مطمئنم در ارائه‌های بعدی از آن استفاده خواهم کرد.

جلسات پایانی نیز که به ارائه‌ی رزیدنت‌ها اختصاص داشت، یکی از بخش‌های مفید این واحد بود. دیدن نحوه‌ی ارائه‌ی همکلاسی‌ها، تفاوت سبک‌ها و شیوه‌ی مدیریت کلاس، باعث شد مطالب مطرح‌شده در طول ترم ملموس‌تر شوند. این تجربه نشان داد که دانستن اصول یک موضوع با اجرای آن فاصله دارد. نحوه‌ی ارزشیابی ارائه‌ها که بر نقاط قوت تمرکز داشت، برای من جالب بود. این روش نشان داد که بازخورد می‌تواند بدون ایجاد استرس هم مؤثر باشد. این تجربه، نگاه من را به ارزشیابی حتی در موقعیت‌های آموزشی کوچک‌تر هم تغییر داد.

نتیجه‌گیری

در مجموع، واحد آموزش پزشکی در این ترم برای من فرصتی بود برای فکر کردن دوباره به آموزش. این درس مفاهیم کاملاً جدیدی به من معرفی نکرد، اما باعث شد دانسته‌هایم شکل منظم‌تری پیدا کنند و به کاربرد آن‌ها فکر کنم. حالا آموزش را فرآیندی می‌بینم که نیاز به توجه و بازنگری دارد و نقش معلم در آن بسیار مهم است. این نگاه جدید، قطعاً روی شیوه‌ی تدریس من در آینده تأثیر خواهد گذاشت. امیدوارم بتوانم از آموخته‌های این درس برای ایجاد فضای آموزشی بهتر استفاده کنم؛ فضایی که در آن دانشجو فقط شنونده نباشد، بلکه واقعاً درگیر یادگیری شود.

میلاد نوری

(دستیار دندانپزشکی کودکان دانشگاه علوم پزشکی یزد)

[Downloaded from jmed.ssu.ac.ir on 2026-09-04]